

بیانات در دیدار مدیران وزارت نفت / ۱۳۷۰/۰۹/۱۲

در دوران تسلط استعمار، در عمق جان مردم این فکر را به وجود آوردند که ایرانی باید علم و تجربه را، و حتی تولید و مصرف را از دیگران بیاموزد. نخواستند به ما یاد بدهند که دانسته‌های دیگران را چگونه هوشمندانه یاد بگیریم و خودمان آن‌ها را به کار بیندازیم. ما باید دانسته‌های دیگران را بیاموزیم؛ این چیز خوبی است. به ما فهماندند که دیگران به دلیل دانا بودن، باید همه‌ی کارهای ما را متکفل و متعهد بشوند؛ آن‌ها باید انجام بدهند و ما باید یادویی آن‌ها را بکنیم! تقریباً در این صد سال اخیر که تا قبل از انقلاب، دوران تسلط سیاست‌های استعماری بود به ملت ایران این‌طور تفهیم شده بود. قبل از آن هم این نبود، لیکن آن استبداد و فساد حکومتها که بر کشور حاکم بود؛ در دوران قاجاریه، تسلط آن افراد بی‌مسئولیت و بی‌فکر و حقیر که عظمت این ملت را اصلاً درک نمی‌کردند، تا بخواهند برای ترویج آن کاری بکنند این تفکر را به وجود آورد. بنابراین، آن‌ها هم به نوبه‌ی خودشان فساد کردند.

بعد از انقلاب، انقلاب و معلم انقلاب که امام بزرگوار ما بود به ما ملت تفهیم کردند که ما می‌توانیم خودمان کار کنیم؛ خودمان تلاش کنیم؛ خودمان بسازیم؛ خودمان قاعده‌ی سازندگی و تولید و مصرف را که همان فرهنگ ماست بنیان‌گذاری کنیم. ما باید این را در همین دوران سازندگی هم به کار بگیریم. ما هرگز به داشته‌های دیگران پشت نمی‌کنیم. هرکسی هرچه دارد؛ چه علم، چه امکانات، چه تکنولوژی و موجودی فنی او وقتی که ناگزیر باشیم اگر بتوانیم همه‌ی آن‌ها را در خدمت هدفهای خودمان قرار بدهیم، لحظه‌ی دریغ نخواهیم کرد. ما همه‌ی این‌ها را بایستی وسیله و پلی برای جوشیدن استعداد سازندگی از درون کشور قرار بدهیم. هر جا که می‌توانیم در داخل کشور تولید کنیم، بایستی این را بر استفاده‌ی از مصنوعات خارجی ترجیح بدهیم. هر چیزی که در داخل کشور تولید می‌شود، برای ما مبارک‌تر از مشابه خارجی آن است؛ حتی اندکی بهتر از آنکه از دست دیگری و دروازه‌ای از دروازه‌های کشور وارد بشود.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان / ۱۳۷۲/۰۲/۱۲

امروز در سطح دنیا که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم بعضی از کشورها این راه را رفته‌اند و به نتیجه هم رسیده‌اند. کشورهایی که بعد از جنگ دوم جهانی- به تعبیر مبالغه‌آمیزی که معمولاً گفته می‌شود- تقریباً با خاک یکسان شده بودند، کمر راست کردند و به خودشان پرداختند. در واقع از نیروهای درون خودشان استفاده کردند و امروز در زمینه‌ی اداره‌ی امور دنیای خود از کسانی که این‌ها را در جنگ به خاک سیاه نشانده بودند بالاتر رفته‌اند. پس به نتیجه می‌رسیم که می‌شود با چنین طرز فکری به استقلال علمی و فنی و غیره دست یافت. امام ما رضوان الله تعالی علیه هم‌تس این بود که به ملت بگوید: «ای ملت ایران! ای جوان ایرانی! ای کارگر ایرانی! ای مهندس و ای مدیر ایرانی! تو بدون اینکه به بیگانه تکیه کنی خودت می‌توانی.» امام می‌خواست روحیه‌ی «توانستن» را در ما زنده کند. کسانی که دارای طرز فکر اول- که منجر به وابستگی می‌شود- هستند، در طول دهها سال گذشته مدام به تمسخر ایرانی پرداختند و لطیفه ساختند که «مگر جنس داخلی هم جنس می‌شود؟!؛ ظلمی از این بالاتر به یک ملت وجود ندارد.

امروز که شما نگاه کنید، می‌بینید مصنوعات داخلی ما در موارد بسیاری، بهتر از مصنوعات خارجی است. البته آدم‌های اهل سود، یعنی کسانی که فقط به فکر جیب و سود خود هستند و هیچ به غیرت ملی و دینی و ارزش اجتماعی ملت ایران در دنیا توجه نمی‌کنند، بر بعضی از مصنوعات داخلی ما مارک کارخانجات یا فروشگاه‌های معروف دنیا را می‌زنند و آن‌ها را در بازارهای اروپایی به معرض فروش می‌گذارند. آن‌ها از این کاسبی فقط به پولی که می‌توانند به دست آورند فکر می‌کنند. در حالی که این اجناس در کشور ما با سرانگشتان ظریف هنرمند ایرانی، چشم تیزبین ایرانی، مغز تیز ایرانی و استعداد بالای ایرانی به وجود آمده است.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۰

بنای مدنیت و زندگی انسان بر استفاده از منابع طبیعی و انسانی است. اگر منابع طبیعی باشد، اما منابع انسانی نباشد و یا رشد نیافته باشد، مثل این است که چیزی در دست نیست. به کشورهای عقب‌افتاده‌ی آسیا و آفریقا در دوران تسلط استعمار نگاه کنید! این‌ها منابع طبیعی داشتند؛ اما فرصت تربیت منابع انسانی پیدا نکرده بودند. از آن طرف مرزهایشان، از راه‌های دور، آدم‌های زرنگ، حیل‌گر و بی‌انصاف سر این‌ها ریختند و منابع طبیعی‌شان را غارت کردند و آن‌ها را به کار زندگی خودشان زدند و قدرت خود را روز به روز افزایش دادند. اگر منابع انسانی باشد، اما منابع طبیعی نباشد، باز هم یک جای کار لنگ است. کشوری که تولید ندارد، خودش سازنده و پرورنده نیست؛ دسترنج خود را مصرف نمی‌کند و همیشه متکی به دیگران، تابع دیگران و در نتیجه مطیع دیگران خواهد بود. این هم بلا دیگری است که مستبدان و حامیان بین‌المللی‌شان بر سر کشورهای استبدادزده‌ی دوره‌ی قبل و امروز در برخی از نقاط عالم آورده‌اند. چشم به دروازه‌ها بدوزند تا از آن طرف مرزها برای آن‌ها همه چیز بیاورند؛ افتخار هم بکنند که پول می‌دهند و خارجها برای آن‌ها کار می‌کنند و اجناسشان را برای آن‌ها می‌فرستند! این افتخار کردن را من از یکی از منتقدان رژیم طاغوت شنیدم. منطق را ببینید؛ چقدر کودکانه و ابلهانه است! همین می‌شود که یک کشور برای نان و گوشت و اولیات زندگی و لباس و مصارف زندگی باید به تولیدکننده‌ی خارجی چشم بدوزد؛ چون خود درصد تربیت نیروی انسانی ماهر برنیامده است؛ به تن خود زحمت نداده است و کارگر و معلم را قدر ندانسته است.

بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما / ۱۳۸۲/۰۲/۲۸

تهاجم فرهنگی غیر از تبادل فرهنگی است؛ غیر از گرفتن برجستگی‌ها و زبده‌گزینی از فرهنگهای دیگر است؛ این، چیزی است مباح، بلکه واجب. اسلام به ما دستور می‌دهد، عقل هم به‌طور مستقل از ما می‌خواهد که هر چیز خوب، زیبا و باارزشی را که در هر کجا می‌بینیم، آن را فراگیریم و از آن استفاده کنیم. این جملات معروف متداول در زبانهای مردم ما که «اطلبوا العلم و لو بالصین» یا «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال»؛ نگاه نکن حرف خوب، سخن حکمت‌آمیز، دانش و معرفت را چه کسی دارد می‌گوید، اگر سخن خوب است، آن را فراگیر، این گرفتن، گرفتن فرهنگی است و اخذ فرهنگی، تبادل فرهنگی و زبده‌گزینی فرهنگی، یک چیز لازم است و این، غیر از تهاجم فرهنگی است. من بارها گفته‌ام که یک‌وقت هست که یک انسان با میل خود و برطبق نیاز و اشتها و ضرورت زندگی‌اش یک نوع غذا، یک نوع دارو یا ماده‌ی لازمی را انتخاب می‌کند و آن را داخل جسم خودش می‌کند؛ این، گزینش است، که چیز خیلی خوبی است؛ اما یک‌وقت هست که یک نفر را می‌خواهند و ماده‌ای را که نه برای او لازم است و نه او به آن میل و اشتها دارد و نه برایش مفید است، به‌زور در حلقش می‌ریزند، یا به او تزریق می‌کنند؛ این، نامطمئن است؛ این، تهاجم فرهنگی است؛ همان کاری که با ملت ایران در طول سالهای متمادی کردند. از سیاستمدارانی که وابسته بودند، از آن‌هایی که با قراردادهای مالی دهشتان را می‌بستند، هیچ توقعی نیست؛ اما از شخصیت‌های علمی و فرهنگی در آن دوران این انتظار و توقع بود که اگر دارای هر عقیده‌ی هستند، و لو اسلام را هم قبول ندارند و ایمان اسلامی هم ندارند، برای هویت فرهنگی این ملت ارج قائل شوند؛ اما ارجی قائل نشدند؛ دروازه‌ها را باز کردند و چشمها را بستند و مجذوب و خیره شدند و ما را عقب انداختند. به خاطر همین، ما در میدان علم و فناوری عقب ماندیم. اینکه در عرف دوره‌ی جوانی من- که حالا خوشبختانه آن‌طور نیست و خیلی فرق کرده- واقعا هر کالایی به صرف خارجی بودن، مطلوب بود و به صرف داخلی بودن نامطلوب، فرهنگ عمومی آن زمانها بود و در داخل کشور هم جرات و گستاخی کار علمی و تحقیقی و باز کردن بن‌بست‌ها و شکستن مرزهای دانش اصلاً قابل تصور نبود و کسانی که در خودشان چنین استعدادی می‌دیدند، به هیچ راهی جز اینکه در محیطهای خارج از کشور کار کنند، فکر نمی‌کردند. اینکه ما خودمان بسازیم، خودمان تولید کنیم و خودمان ابتکار، اصلاً متصور نبود. بنده از اطلاعات و گزارشهای گوناگونی که در اختیارم قرار گرفته، نمونه‌های عینی خیلی فراوانی را سراغ دارم که شاید بعضی از شماها هم این موارد را بدانید. اما امروز نه، امروز خوشبختانه این حالت دلیری و خوداتکابی و شجاعت وارد شدن در میدانهای گوناگون هست. این فرهنگ را انقلاب عوض کرد. مقوله‌ی فرهنگ این است. این یک مثال و یک مصداق بود.

بیانات در دیدار مردم استان همدان / ۱۳۸۳/۰۲/۱۵

ضلع سوم این است که مناسبات اقتصادی و اجتماعی سلامت پیدا کند؛ این، هم بر عهده‌ی مسئولان است- بر عهده‌ی دولت، قوه‌ی قضائیه و مجلس شورای اسلامی- و هم بر عهده‌ی آحاد مردم است. مناسبات اقتصادی و اجتماعی غلط یعنی چه؟ یعنی رواج قاچاق، رباخواری، مصرف‌گرایی افراطی و گرایش به تفاخر در استفاده از مصنوعات خارجی در مقابل نمونه‌های داخلی آن، که معنایش این است که کارگر ایرانی را به نفع کارگر خارجی بیکار می‌کند. باید افتخار به استفاده از مصنوعات داخلی در مردم و مسئولان بیدار شود. در درجه‌ی اول خود مسئولان و دستگاه‌های دولتی و قوای سه‌گانه، و در درجه‌ی بعد آحاد مردم به این نکته توجه کنند و اهمیت دهند.

وقتی مناسبات غلط اقتصادی در جامعه حاکم باشد، وقتی رانت‌خواری رواج داشته باشد، وقتی سواستفاده از قدرت برای به دست آوردن ثروتهای بادآورده رواج داشته باشد، کسی که تولیدکننده و زحمتکش واقعی است، ناامید می‌شود. کشاورزی که زحمت می‌کشد، صنعتکاری که تولید می‌کند، سرمایه‌داری که سرمایه‌گذاری می‌کند، معدنکاری که عرق می‌ریزد، معلمی که در مدرسه درس می‌گوید، استادی که در دانشگاه تدریس می‌کند، قاضی‌پی که وقت و اعصاب خود را به کار صحیح صرف می‌کند، وقتی ببینند راه برای مناسبات غلط اقتصادی در جامعه باز است و با آن برخورد نمی‌شود، مایوس می‌شوند. این که ما گفتیم و تاکید کردیم که باید با مفاسد اقتصادی و قاچاق مبارزه شود، به‌خاطر این است که این پدیده‌ها اساس پیشرفت کشور را دچار آسیبهای جدی می‌کنند.

بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۸

آنچه که پیشرفت هست، این است که ما از هرکه و هر جور، همه‌ی دانشهای مورد نیازمان را فرابگیریم؛ این دانش را به مرحله‌ی عمل و کاربرد برسانیم، تحقیقات گوناگون انجام بدهیم، برای اینکه دامنه‌ی علم را توسعه بدهیم، تحقیقات بنیادی انجام بدهیم، تحقیقات کاربردی و تجربی انجام بدهیم، تا فناوری را به وجود آوریم یا فناوری جدیدی را به وجود بیاوریم یا فناوری را تکمیل کنیم؛ تصحیح کنیم و انجام بدهیم؛ در زمینه‌ی آموزش‌های مدیریت از پیشرفتهای دنیا فرابگیریم، آن را بین خودمان برطبق نیازها و عرف و فرهنگ خودمان تحلیل و فهم کنیم و با جامعه‌مان تطبیق کنیم. در باره‌ی مشکلات اجتماعی‌ای که در کشور وجود دارد، تحقیق کنیم و راه ریشه کن کردن این‌ها را پیدا کنیم و به دنبال این برویم که راه مبارزه با اسراف چیست. اسراف یک بیماری اجتماعی است. راه مبارزه با مصرف‌گرایی چیست؟ راه مبارزه با ترجیح کالای خارجی بر کالای ساخت داخل چیست؟ این‌ها تحقیق می‌خواهد. در دانشگاهها پروژه‌های تحقیقی بگیرید، استاد و دانشجو کار کنید، نتیجه‌ی تحقیق را به مسئولان کشور بدهید؛ به رسانه‌ها بدهید تا سرریز شود و فرهنگ‌سازی شود. این، می‌شود پیشرفت.

بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۸

شما می‌روید یک جنسی را از بازار تهیه کنید- یک لباس، یا فرض بفرمایید یک وسیله‌ی خانه؛ یک ظرف- نوع داخلی‌اش هست، نوع خارجی‌اش هم هست؛ یک مقداری به خاطر تبلیغات خارجی، یک مقدار به خاطر بز دادن به اینکه این جنس خارجی است، یک مقدار به خاطر رسوبات فرهنگی قبلی که جنس داخلی فایده‌ای ندارد و یک مقدار هم شاید به خاطر مرغوبتر بودن جنس خارجی- این مرغوبتر بودن هم ممکن است یکی از عوامل باشد، لیکن به هر حال تعیین‌کننده نیست- شما آن را انتخاب می‌کنید. یعنی چه کار می‌کنید؛ یک کارگر ایرانی را بیکار می‌کنید و یک کارگر غیر ایرانی را به کار وادار می‌کنید. خوب، مگر بیکاری امروز، مشکل عمده‌ی جامعه‌ی ما نیست. وقتی شما این‌طور کردید، بنده این‌طور کردم، آن برادر دیگر، آن خواهر دیگر، و یکی‌یکی از این روش پیروی کردیم، نتیجه چه می‌شود؟ نتیجه، ورشکستگی کارخانه‌ی داخلی، بیکاری کارگر داخلی و در نهایت باعث ناامیدی سرمایه‌گذار داخلی می‌شود. بیکاری هم که به دنبال خودش اعتیاد، فساد و اختلافات خانوادگی می‌آورد و به دنبال آن، حوادث سیاسی و اجتماعی فراوان به وجود می‌آید. بنابراین، از یک چیز کوچکی شروع می‌شود؛ از یک اراده‌ی شخصی من و شما. پس اراده‌ی شخصی افراد هم حتی در تحولات اجتماعی، می‌تواند اثرگذار باشد. و از این دست مسائل، فراوان است. هوس می‌کند از دست رفیقش سیگار بگیرد بکشد؛ گرایش به سیگار، گرایش به مواد مخدر، هوسهای زودگذر؛ این‌ها همان چیزهایی است که به دنبال خودش یک جریان عظیم، طولانی و تمام نشدنی از تحولات اجتماعی را- که پسرقت هست- به وجود می‌آورد. عکسش هم صادق است.

بیانات در دیدار جمعی از معلمان و پرستاران و کارگران / ۱۳۸۸/۰۳/۰۹

در مورد مسئله‌ی کار آنچه که من بر آن تاکید کرده‌ام و امروز هم تاکید می‌کنم، این است که ما باید فرهنگ کشور خودمان را به سمت ترویج تولید داخلی تنسيق و تنظيم کنیم و پیش ببریم؛ این خیلی چیز مهمی است. در گذشته، سالهای متمادی این فرهنگ به ملت ما تزریق شده است که به دنبال مصنوعات و ساخته‌های بیگانه و خارجی بروند. وقتی گفته می‌شد این جنس خارجی است، این یک استدلال نام و تمامی بود برای بهتر بودن و مرغوبتر بودن این جنس. این فرهنگ باید عوض شود. البته کیفیت تولید داخل در این موثر است، تبلیغ نکردن بیجا و بی‌رویه‌ی تولیدات خارجی در این موثر است، تشویق کارآفرین داخلی در این موثر است، وجدان کاری در کننده‌ی کار- چه کارگر ساده یا کارگر مجرب یا مهندس کار- در این موثر است، دولت نقش دارد، مسئولین نقش دارند، خود کارگر نقش دارد، کارآفرین نقش دارد، تاجر واردکننده‌ی کالای خارجی نقش دارد. همه باید دست به دست هم بدهند تا تولید داخل رجحان پیدا کند؛ ارزش پیدا کند و فرهنگی بر جامعه‌ی ما و بر ذهنهای ما حاکم شود که مصرف کردن تولید داخلی را ارزش بدانیم. ما به قیمت به کار واداشتن یک کارگر بیگانه که تولید او را مصرف می‌کنیم، یک کارگر داخل کشور را بیکار می‌کنیم. همه‌ی مسئولین کشور، سیاست‌گذاران کشور، مسئولان تبلیغات کشور، خود کارآفرینان، خود کارگران، دولت، بخشهای مربوطه به این نکته باید اهمیت بدهند.

امروز خوشبختانه بسیاری از محصولات و مصنوعات داخل کشور برتر و گاهی بسیار برتر از مشابه‌های بیرونی و خارجی است. چرا ما باید نسبت به مصنوعات خودمان بی‌اعتنا باشیم؟ گذشت آن روزی که وابستگی به دستگاه قدرت به دست خودشان، با بیانات زهرآگین خودشان تلقین می‌کردند که ایرانی قادر به تولید و ساخت نیست. آن‌ها ایران را عقب انداختند. آن‌ها به روح ابتکار و شوق کار در کشور لطمه زدند. انقلاب آمد وضع را عوض کرد. امروز جوانان ما پیچیده‌ترین کارها را دارند انجام می‌دهند. این همه زیرساخت در کشور به وجود آمده است برای کارهای بزرگ، این همه کارهای پیچیده‌ی فنی با ذهن و ابتکار جوان ایرانی دارد انجام می‌گیرد. مسئولین دنبال این کارند. امروز باید رو بیاورند همه به سمت مصنوعات و تولیدات داخلی؛ این باید یک فرهنگ شود. البته یک بخش مهم از این هم مربوط می‌شود به امنیت شغلی کارگران، که این هم بایستی همه به آن توجه داشته باشند؛ کارگر فارغ‌البال باشد؛ مطمئن باشد؛ امنیت شغلی داشته باشد. و کارفرما و کارگر، سرمایه‌گذار و کارگر، مدیر کارگاه و کارگر دست به دست هم بدهند برادرار، کارها را پیش ببرند. این مربوط به مسئله‌ی کار.

بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور / ۱۳۸۹/۰۶/۱۶

مسئله‌ی واردات را که چند نفر از دوستان گفتند، بنده به آن عقیده دارم. در جلسه‌ی مسئولین، در همین جا اوائل ماه رمضان اعلام کردم، گفتم؛ هم به مجلس، هم به دولت که به مسئله‌ی واردات بپردازند؛ حالا هم از وزیر محترم بازرگانی تو راه سوال کردم، ایشان اطلاع دادند که کارهای خوبی در این زمینه دارد انجام می‌گیرد؛ بله راست است. مسئله‌ی واردات بی‌رویه و بی‌منطق ضرر بزرگی است، خطر بزرگی است؛ مردم هم باید این را بدانند. وقتی یک محصول خارجی را ما داریم مصرف می‌کنیم، در واقع داریم یک کارگر خودمان را بی‌کار می‌کنیم، یک کارگر دیگر را داریم به کار وادار می‌کنیم؛ این هست، منتها مسئله‌ی مرغوبیت و کیفیت خیلی مهم است؛ و استحکام؛ اینها خیلی مهم است. اگر چنانچه جنس داخلی، تولید داخلی، این خصوصیات را داشته باشد، به طور طبیعی تمایل پیدا می‌شود. البته متأسفانه بعضی هستند که بر اثر فرهنگ غلط دوره‌ی منحوس پادشاهی- دوره‌ی طاغوت، دوره‌ی وابستگی- هنوز چشمشان به خارج است. یک روزی بوده

است که تو این کشور مسئولین دولتی ما آمدند صریح گفتند که ایرانی یک لوله‌نگ نمی‌تواند درست کند! عملاً هم همه چیز را وارد کردند. در همان دوره طاعت یک فردی از بلندپایگان دولتی که تصادفاً بنده را توی یک مجلسی- ما که با اینها هیچ وقت ارتباطی نداشتیم، ملاقات هم نمی‌کردیم- دید، من داشتم انتقاد میکردم از همان چیزهایی که بود. این رو کرد به ما و گفت: چی چی را انتقاد میکنید؟ ما مثل آقا نشستیم، کشورهای دیگر مثل نوکر دارند برای ما کار میکنند، کالا می‌فرستند داخل؛ این بد است؟ شما ببینید؛ این منطق دولتمردان دوره طاعت بود! حالا ظاهرش این منطق است، باطنش چیزهای دیگر بود؛ فسادهای اقتصادی فراوان و فسادهای اخلاقی فراوان. بله، مسئله‌ی واردات و مدیریت واردات مهم است. ما آن روز به دوستانی که اینجا بودند، در جلسه‌ی مسئولین و کارگزاران نظام، توصیه کردیم، گفتیم واردات را مدیریت کنید؛ نمی‌گوئیم متوقف کنید. یک چیزهایی باید بیاید، یک چیزهایی باید نیاید. یک مدیریت صحیحی باید انجام بگیرد؛ این مسلماً هست.

بیانات در حرم رضوی در آغاز سال ۹۱ / ۱۳۹۱/۰۱/۰۱

عمده، مردمند. شما باید کالای ایرانی بخواهید. این افتخار نیست؛ این تفاخر غلطی است که ما مارک‌های خارجی را در پوشاکمان، در وسایل منزلمان، در مبلمانمان، در امور روزمره‌مان، در خوراکی‌هایمان ترجیح بدهیم به مارک‌های داخلی؛ در حالی که تولید داخلی در خیلی از موارد بسیار بهتر است. من شنیدم پوشاک داخلی را که در بعضی از شهرستانها تولید میشود، می‌برند مارک خارجی می‌زنند، برمیگردانند! اگر همین‌جا بفروشند، ممکن است خریدار ایرانی رغبت نکند؛ اما چون مارک فرانسوی دارد، خریدار ایرانی همان لباس را، همان کت و شلوار را، همان دوخت را انتخاب میکند؛ این غلط است. تولید داخلی مهم است. ببینید کارگر ایرانی چه تولید کرده است، سرمایه‌دار ایرانی چه سرمایه‌گذاری کرده است. در زمینه‌ی مصرف، عمده‌ی کار دست مردم است؛ که این بخشی از اصلاح الگوی مصرف است که من دو سال قبل اینجا به ملت ایران عرض کردم، و بخشی از جهاد اقتصادی است که سال گذشته عرض کردم. تولید ملی مهم است؛ این را باید هدف قرار بدهند.

بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی / ۱۳۹۱/۰۷/۲۰

نکنه‌ی بعد، خودباوری است. ما باید کودک را از آغاز دارای اعتمادبه‌نفس و باور به هویت خود بار بیاوریم. البته این مخصوص کودکان دبستانی نیست؛ در دبیرستان هم همین هست، در دانشگاه هم همین هست. در کشور ما متأسفانه فرهنگ کاملاً منحرفی از گذشته پایه‌گذاری شده، که هنوز آثارش از بین نرفته - با این همه تبلیغاتی که ماها از اول انقلاب تا امروز داشتیم - و آن، نگاه نیازمندی به سمت غرب، بزرگ دیدن غرب و کوچک دیدن خود در مقابل اوست؛ که متأسفانه این فرهنگ ریشه‌کن نشده و وجود دارد؛ این به دلیل نبود خودباوری است. اینکه شما ملاحظه کنید فلان مارک جنس خارجی پول بیشتری طلب میکند، اما طرفدار بیشتری هم در بین یک طبقه‌ی دارد، در حالی که جنس مشابه داخلی گاهی کیفیتش بهتر از آن است، به خاطر همین نگاه است؛ این یک بیماری است، این یک آفت است. اگر چنانچه گفته شود که فلان متخصص، دوره‌های تخصص را در داخل گذرانده است، به خارج نرفته است، در وهله‌ی اول یک نگاه منفی نسبت به او وجود خواهد داشت. بله، اگر چنانچه این متخصص داخلی که در داخل تحصیل کرده، با کارهای برجسته‌ی خود توانست این باور را به هم بزند - که در این سالهای اخیر، فراوان هم اتفاق افتاده - آن مطلب دیگری است؛ اما مادامی که بگویند این تحصیلکرده‌ی خارج است، این تحصیلکرده‌ی داخل است، نگاه به او برتر خواهد بود. اینها عیب است.

بیانات در اجتماع مردم اسفراين / ۱۳۹۱/۰۷/۲۲

ما بر روی تولید داخلی تکیه کردیم؛ هم در اول امسال و در شعار سال، هم در صحنه‌هایی که در طول این چند ماه از اول سال انجام گرفته. خوب، تولید داخلی احتیاج دارد به مصرف داخلی؛ این به عهده‌ی مردم است. مصرف خودمان را باید از تولیدات خودمان انتخاب کنیم. اینکه کسانی همه‌اش دنبال مارکها و برندهای خارجی و اسمهای خارجی باشند، خطاست؛ فروشنده‌ی یک هوس شخصی است، اما ضربه‌زدن به یک کار عمومی و اصلی است. مصرف داخلی، تولید داخلی را افزایش میدهد؛ تولید داخلی که افزایش پیدا کرد، همین مشکلاتی که آقای امام جمعه‌ی محترم گفتند، برطرف میشود؛ بیکاری برطرف میشود. تولید که رونق بگیرد، یعنی تورم کم بشود، گرانی کم بشود، اشتغال افزایش پیدا کند؛ اینها همه به هم متصل است. یک سر این قضیه دست ما مردم است، که مصرف خودمان را چگونه انتخاب کنیم. به هر حال وظائف زیاد است، اما توفیقات الهی هم بسیار زیاد است.

بیانات در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور / ۱۳۹۲/۰۲/۰۷

ما گفتیم: تولید داخلی؛ کار ایرانی، سرمایه‌ی ایرانی. این معنایش این است که زرق و برق نامهای فرنگی چشمها را به خودش جلب نکند. همه بدانند که این محصولی که دارند می‌خرند، میتواند یک کارگر ایرانی را برخوردار کند؛ میتواند او را محروم کند، یک کارگر خارجی را برخوردار کند. البته ما همه‌ی بشریت را دوست داریم، اما خوب کارگر ایرانی دارد برای سربلندی این کشور تلاش میکند؛ جزو مغنم و عزیز بیکره‌ی این ملت است؛ او را باید تأیید کرد، او را باید تقویت کرد. بعضی‌ها این را نمی‌فهمند و درک نمی‌کنند، یا برایشان نشانه‌ی تولید ایرانی و تولید خارجی فرق نمی‌کند؛ یا حتی بعکس، به جای اینکه دنبال نشانه‌ی تولید ایرانی بگردند، دنبال نشانه‌های تولید خارجی می‌گردند؛ این انحراف است، این خطا است. همه‌ی مردم مخاطب این بیاند.

بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی / ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

نکنه‌ی دوم [از انگیزه‌ها و عوامل تهیه‌ی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی]، مشکلاتی است که داریم - مشکلات مزمن، مشکلات دیرپا - که اینها جز با یک حرکت اقتصادی جمعی مهم، امکان ندارد برطرف بشود؛ یکی از آنها وابستگی به نفت است که عرض کردیم، یکی از آنها عادت به واردات است - آن هم واردات بدون اولویت؛ عادت است که متأسفانه دچار آن هستیم و این عادت را هم نتوانستیم کنار بگذاریم؛ نگاهمان به تولید خارجی است - تورم مزمن، بیکاری، معیوب بودن برخی از ساختارهای اقتصادی ما، اشکال در نظامات مالی ما - نظامات پولی ما، نظامات بانکی ما، نظامات گمرکی ما - اشکال در الگوی مصرف، اشکال در مسئله‌ی تولید، اشکال در بهره‌وری؛ اینها مشکلات موجود کشور است، باید با اینها مقابله کرد. یکی از چیزهایی که هر انسان دلسوزی را و هر مسئول با همتی را برمی‌انگیزد که کاری و حرکتی از قبیل اقتصاد مقاومتی انجام بدهد، وجود همین مشکلات است. اینها جز با یک حرکت جهادی و جمعی و دلسوزانه و مستمر - با الزاماتی که دارد و عرض خواهیم کرد - میسر نخواهد شد.

بیانات در حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۲/۰۱/۰۱

سوال سوم را مطرح کنیم و جواب بدهم. سوال سوم این بود که برای اینکه این کار بزرگ، اقتصاد مقاومتی، تحقق پیدا کند، الزامات چیست و چه کارهایی باید انجام بگیرد؟ خلاصه عرض میکنیم: اولاً مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. تولید ملی، اساس و حلقه‌ی اساسی پیشرفت اقتصاد است. مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. چه‌جوری؟ یک جا که قانون لازم دارد، حمایت قانونی کنند؛ یک جا که حمایت قضائی لازم است، انجام بگیرد؛ یک جا که حمایت اجرایی لازم است، باید تشویق کنند و کارهایی بکنند؛ باید این کارها انجام بگیرد. تولید ملی باید رونق پیدا کند. دوم، صاحبان سرمایه و نیروی کار که تولیدگر هستند، آنها هم بایستی به تولید ملی اهمیت بدهند؛ به چه معنا؟ به این معنا که بهره‌وری را افزایش بدهند. بهره‌وری، یعنی از امکاناتی که وجود دارد حداکثر استفاده‌ی بهینه بشود؛ کارگر که کار میکند، کار را با دقت انجام بدهد؛ رحم الله امر عمل فائقه، این معنای

بهره‌وری است؛ از قول پیغمبر نقل شده است: رحمت خدا بر آن کسی است که کاری را که انجام می‌دهد، محکم انجام بدهد، متقن انجام بدهد. آن کسی که سرمایه‌گذاری میکند، سعی کند حداکثر استفاده از آن سرمایه انجام بگیرد؛ یعنی هزینه‌های تولید را کاهش بدهند؛ بعضی از بی‌تدبیری‌ها، بی‌سیاستی‌ها موجب میشود هزینه‌ی تولید برود بالا، بهره‌وری سرمایه و کار کم بشود.

سوم، صاحبان سرمایه در کشور، فعالیت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعالیتهای دیگر. ما دیدیم کسانی را که سرمایه‌ای داشتند - کم یا زیاد - و میتوانستند این را در یک راه‌هایی به کار بیندازند و درآمدهای زیادی کسب کنند، نکردند؛ رفتند سراغ تولید؛ گفتند میخواهیم تولید کشور تقویت بشود؛ این حسنه است، این صدقه است، این جزو بهترین کارها است؛ کسانی که دارای سرمایه هستند - چه سرمایه‌های کم، چه سرمایه‌های افزون - آن را بیشتر در خدمت تولید کشور بگذارند. بعدی، مردم در همه‌ی سطوح، تولید ملی را ترویج کنند. یعنی چه؟ یعنی همین مطلبی که من دو سه سال قبل از این، در همین جا با اصرار فراوان گفتم، یک عده‌ای هم از مردم خوش‌بختانه عمل کردند، اما همه باید عمل کنند و آن عبارت است از «مصرف تولیدات داخلی». عزیزان من! شما وقتی که یک جنس داخلی را خرید میکنید به‌جای جنس تولید خارجی، هم به همین اندازه کار و اشتغال ایجاد کرده‌اید، هم کارگر ایرانی را وادار کرده‌اید به اینکه ابتکار خودش را بی‌آورد میدان؛ جنس داخلی که مصرف شد، آن کنده‌ی کار، ابتکارانی دارد، این ابتکارات را روزبه‌روز افزایش خواهد داد؛ شما وقتی که جنس داخلی مصرف میکنید، ثروت ملی را افزایش داده‌اید. در گذشته، در دوران طاغوت، ترجیح مصرف خارجی به‌عنوان یک سنت بود؛ سراغ جنس که می‌رفتند، [می‌پرسیدند] داخلی است یا خارجی؟ اگر خارجی بود، بیشتر به آن رغبت داشتند؛ این باید برگردد و به‌عکس بشود. نمی‌گویم خرید جنس خارجی حرام است، اما عرض میکنم خرید جنس داخلی یک ضرورت برای مقاومت‌سازی اقتصاد است و بر روی همه چیز این کشور تاثیر می‌گذارد. باید به این توجه کرد؛ این نقش همه‌ی مردم است. البته در اینجا هم مثل خیلی جاهای دیگر، مسئولیت مسئولان و مدیران کشور از دیگران بیشتر است؛ بسیاری از زیاده‌روی‌ها و ریخت‌وپاش‌ها در رفتار مردم، به‌خاطر نگاه کردن به رفتار آن کسانی است که آنها را "بزرگ‌ترها" میدانند؛ اگر اسراف در بین سطوح بالا نباشد، در بین مردم هم اسراف کم خواهد شد. بنابراین ترجیح تولید داخلی یکی از کارها است.

من این بخش را جمع بندی کنم. من عرض میکنم: اقتصاد مقاومتی به معنای مقاوم ساختن پایه‌های اقتصاد، یکی از وظایف عمومی امروز ما است و همه میتوانند در آن نقش ایفا کنند. هم مسئولین و مسئولین قوای سه‌گانه، هم آحاد مردم، هم کسانی که دارای مهارت کارند، هم کسانی که دارای سرمایه‌اند، هم صاحب‌نظران. البته آنچه که ما عرض کردیم، خلاصه‌ای بود از آنچه باید گفت؛ به‌عهدی صاحب‌نظران است که تفصیلات اینها را عرض بکنند.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی / ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

من بارها در سخنرانی‌های اول سال و غیر آن تکرار کردم، الان هم به شما عرض میکنم: محصولات داخلی را مردم مصرف کنند؛ نروند دنبال این نشانه‌ها. حالا مد شده است بگویند «برند» است، برند فلان؛ برند چیست! بروید سراغ مصرف تولیدات داخلی. آن چیزهایی که مشابه داخلی دارد، متعصبانه و با تعصب تمام، ملت ایران، خارجی آن را مصرف نکنند. این را من فقط برای یک عده‌ی خاص نمی‌گویم؛ خوب بله، وقتی ما می‌گوییم، یک عده متدینین فوراً گوش میکنند حرف را، پیغام هم میدهند فلان چیز را که خارجی است بخیریم؟ فلان چیز را نخیریم؟ من فقط برای متدینین و افرادی که برای حرف ما حجت شرعی قائلند، این را نمی‌گویم؛ من این حرف را برای هرکسی می‌گویم که به ایران علاقه‌مند است، به آینده‌ی کشور علاقه‌مند است، به فکر بچه‌های خودش است که بنا است فردا در این کشور زندگی کنند. شما مصنوعات خارجی را که مصرف میکنید، در واقع کمک میکنید به اینکه حجم آن بنگاه خارجی، آن کارگر خارجی، آن سرمایه‌دار خارجی، مدام بیشتر بشود و تولید داخلی ضربه بخورد، شکست بخورد.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور / ۱۳۹۲/۰۲/۰۹

مصرف‌کننده‌ی باانصاف، مصرف‌کننده‌ی باوجدان هم میتواند همین‌جور به تولید کشور کمک کند؛ دنبال اسم و رسم نروند، دنبال برند نروند - این حرفی که حالا مرتب تکرار میکنند: برند، برند - دنبال مارک نروند؛ دنبال مصلحت بروند. مصلحت کشور، مصرف تولید داخلی است، کمک به کارگر ایرانی است. بعضی‌ها هستند حتی حاضرند به نفع کارگر هم شعار بدهند، رگ گردن را هم درشت کنند و شعار بدهند، اما در عمل به کارگر ایرانی لگد بزنند.

بیانات در دیدار کارگران / ۱۳۹۷/۰۲/۱۰

چرا یک عده‌ای اصرار دارند پولشان را بریزند در جیب کمپانی خارجی؟ این چه مرضی است که جنس خارجی باید مصرف بشود؟ یک‌وقت جنس ایرانی مشابه نداریم، خوب بله، بختی نیست؛ بعضی از اجناس هست که تولیدش در داخل منطبق با صرفه نیست، صرفه ندارد؛ خیلی خوب! در داخل، جنس مشابه آن را نداریم. [اما وقتی] مشابه جنسی در داخل هست، تولید میشود و در کیفیت هم بعضی مثل کیفیت مشابه خارجی است، بعضی بالاتر از کیفیت مشابه خارجی است، چرا بایستی یک عده‌ای اصرار داشته باشند که حتما بروند جنس خارجی و فلان مارک خارجی و مانند اینها را مصرف کنند؟ این چه مرضی است؟ این چه بدفهمی و کج‌فهمی‌ای است که بعضی دارند؟

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۷/۰۲/۰۷

احتیاج است به یادآوری این آرمانها با همان زبان ویژه‌ی جوان مومن انقلابی که از خصوصیاتش صراحت است، از خصوصیاتش شجاعت در گفتار است؛ اینکه شجاعانه حرف خودش را بزند. امروز نسبتاً همین‌جور هم بود؛ ما احساس کردیم یک انگیزه‌ی شجاعانه‌ای وجود دارد برای اینکه بگویند یک چیزهایی را. اگرچه من بعضی حرفها را قبول ندارم اما شجاعت را قبول دارم؛ این احساس روحیه‌ی تهاجم را در جوان دانشجو و جوان انقلابی، من کاملاً قبول دارم. بایستی این ارزشها به‌صورت صریح، هوشیارانه، دایماً مطالبه بشود؛ [از سوی] جوان پای کار. [مقابله] با اشتراف‌گری؛ یعنی در افکار عمومی، اشتراف‌گری نفی بشود. وابستگی فکری نفی بشود. بحث کالای ایرانی مطرح است؛ مشکل عده‌ای که بنده با آن برخورد کرده‌ام، یک مشکل ذهنی نسبت به کالای خارجی است که متأسفانه در یک قشر وسیعی در کشور وجود دارد که از موارث نحس و نجس رژیم طاغوت گذشته است؛ چشم به محصولات خارجی بود و هر چیزی، خارجی‌اش بهتر بود؛ البته کار داخلی قابل ذکر هم آن روز نبود؛ این هنوز باقی مانده. این مشکل، مشکل فکری است؛ یک حرکت عمومی فکری به وجود بیاید برای تحول در این احساسها. مثلاً اگر چنانچه ما بتوانیم این فکر را که «جنس خارجی بهتر است» از ذهنها پاک بکنیم، آنوقت خود مردم به‌طورطبیعی میروند دنبال کالای داخلی و برکات و خیرات این کار همه تحقق پیدا خواهد کرد.

بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها / ۱۳۹۷/۰۲/۲۰

همین مسئله‌ی حمایت از کالای ایرانی که خوشبختانه دیدیم یکی از آقایان این مسئله را مورد توجه قرار داده‌اند، روی آن فکر کرده‌اند، کار کرده‌اند؛ درست همان نکاتی که بنده اینجا یادداشت کرده‌ام در بیانات ایشان وجود داشت. فرض کنید ما بینیم موانع تولید کالای باکیفیت چیست؛ اولین مسئله این است که ما در داخل، کالای باکیفیت باید تولید کنیم تا مشتری داشته باشد، تا فروش برود. موانع تولید کالای باکیفیت چیست، بعد چگونگی بازاریابی؛ چه‌کار کنیم که بتوانیم هم در داخل و هم در خارج، بازار برای این محصولات پیدا کنیم. حالا در خارج یک مقوله است - که آن مقوله‌ی جداگانه‌ای است - مقوله‌ی داخلی همان مقوله‌ی ذهنی و فرهنگی است که اشاره کردند؛ کاملاً درست است. یعنی در بخشهای علوم جامعه‌شناسی و روان‌شناختی دانشگاه، بررسی بشود که علت اینکه قشرهایی از مردم نسبت به کالای خارجی رغبت بیشتری دارند و به کالای داخلی کمتر چیست و راه علاجش چیست. البته یک راه علاجهایی را ایشان ذکر کردند اما اینها کافی نیست؛ اینها بررسی علمی لازم دارد؛ واقعا میتوان یک راه‌هایی را پیدا کرد. یک‌وقت شما می‌بینید در ظرف دو سال، سه سال، چهار سال، یکلی امر برگشت؛

کما اینکه همین حالا با همین تبلیغاتی که تا یک حدودی انجام گرفته، بعضی از فروشنده‌ها کالای خارجی خودشان را به عنوان کالای داخلی به مشتری می‌فروشند! این را ما خبر داریم -بنده اطلاع دارم، به من گزارش شده- یعنی طرف می‌رود یک جنسی را [از فروشنده] می‌خواهد، او خارجی‌اش را دارد و چون میدانند که مشتری کالای داخلی لازم دارد، بدروغ به او می‌گویند این کالا داخلی است! این خیلی چیز مطلوبی است، البته دروغ چیز بدی است؛ اما این خیلی خوب است که فروشنده مجبور بشود برای فروش کالای خودش بگوید این داخلی است؛ این فرهنگ باید گسترش پیدا کند. این چه جوری گسترش پیدا میکند؟ این خب راه کار علمی دارد؛ بایستی شما این کار را بکنید.

